

معنویت

اورسولا کینگ؛ ترجمه: علی رضا شجاعی

مقدمه

بسیاری از نوشته‌های معاصر از معنویت سخن می‌گویند، اما از آنجا که این واژه در زمینه‌های بسیار متفاوتی به کار می‌رود، آن را به آسانی نمی‌توان تعریف کرد. بعضی به معنویت یا «امور معنوی» با تردید می‌نگرند، چون آن را با اصطلاحات دوگانه، در برابر «ماده» یا «مادی»، «فیزیکی» یا «این جهانی» می‌فهمند. خیلی‌ها باور معنوی را به باور دینی ترجیح می‌دهند، چون نهادینگی کمتر و گسترده‌تری دارد. عده‌ای هم امر معنوی یا معنویت را قلب دین یا بالاترین آرمان آن می‌دانند، که به ویژه در تجربه دینی و عرفانی با آن مواجه می‌شوند.

موضوع معنویت، دل‌مشغولی همیشگی انسان است. جستجوی معنوی در طول تاریخ، تعبیر فرهنگی بی‌شماری یافته است، اما شیوه‌ای که به مدد آن، این گرایش امروزه از راه تفکر انتقادی و مقایسه‌ای در بافت جهانی و میان فرهنگی مورد پژوهش قرار می‌گیرد، تحول خاص قرن بیستم است. با این همه، مایه شگفتی است که بسیاری از فرهنگ‌های واژگان و دانش‌نامه‌های معاصر، با این که به معنویت گرای، انجمن‌های معنویت‌گرا، تجربه معنوی، یا روش‌های معنوی اشاره می‌کنند، متضمن یک مدخل در باب معنویت به معنای واقعی کلمه نیستند - که نشان این است که این معنویت هنوز یک قلمرو موضوعی نوپدید است.

گرایش‌هایی که امروزه در معنویت رایج است، بر موضوع و یافتن خود تأکید دارد، و نیز بر فهم متعین‌تری از روان‌شناسی انسان پیوند می‌خورد. بسیاری از دین‌ها، برای اصطلاح Spirituality، که از سنت مسیحی ریشه می‌گیرد، واژه معینی ندارند. این اصطلاح در الاهیات و کردار دینی مسیحی، تاریخی طولانی دارد. اما امروزه، مفهوم معنویت در همه سنت‌های دینی گوناگون به کار می‌رود. این مفهوم، علاوه بر درون‌بیرون‌دین‌های خاص، در بسیاری از بافت‌های دینی و غیردینی (سکولار و تعالی‌نشان‌دهد. در جامعه سکولار معاصر، همه به دنبال یافتن دوباره معنویت به منزله یک بُعد گمشده یا دست‌کم پنهان در

یک جهان عمدتاً مادی هستند. این فرایند از راه بررسی آثارستی بی شمار درباره معنویت، که امروزه در سراسر سنت های دینی مختلف به طور گسترده وجود دارد، آسان تر شده، ارتقا می یابد. برای نگاه به معنویت در یک بافت میان فرهنگی گسترده تر، مهم است که دقیق تر بفهمیم که معنویت چیست، کدام آرمان ها و آموزه ها با عمل به آن ارتباط دارد، و بهترین شکل مطالعه و بررسی اینها چیست؟ در بخش های بعدی به بررسی هر یک از این جنبه ها می پردازیم.

معنویت چیست؟

از نظرگاه تاریخی و تطبیقی فقط می توان از کثرت معنویت سخن گفت. معنویت های گوناگون و مکتب های معنویت بسیاری را می توان یافت که تعابیر فرهنگی خاصی را از آرمان های دینی خاص سنت های دینی گوناگون نشان می دهند. شیوه ای که به آرمان های دینی بیانی ملموس می دهد، از یک فرهنگ و دین تا فرهنگ و دین دیگر بسیار متفاوت است. وحدت معنویت، نه فقط به منزله یک آرمان متعالی، بلکه به منزله آنچه اشخاص خاص و همه اجتماعات با آن زندگی می کنند و آن را تعلیم می دهند، جزئی از تاریخ روح آدمی و فراسوی تاریخ خوانده شدن این روح است. تاریخ معنویت پُر است از ظنن اشتیاق به آن حقیقت پاینده، همیشه مان و جاودانه؛ اشتیاق به کل بودگی، آرامش، لذت و نیکبختی، که در طی عصرها دل مشغولی انسان بوده است و امروزه بسیاری از مردم هنوز به دنبال آنند.

معنویت را به شیوه ای کلی و عام به جستجوی چیزی که در پیوند با انسان شدن است، تعریف کرده اند. این یک تعریف بی طرفانه است که به دین به معنای واقعی کلمه هیچ اشاره ای نمی کند. در یک تعریف نسبتاً جامع تر، معنویت را «کوششی برای پیداشدن حساسیت به خود، دیگران، موجودات غیرانسانی، و خدا که درون و فراسوی این کلیت است» دانسته اند [۲۹: ۳]. معنویت را اینگونه نیز وصف کرده اند: «شیوه ای که در آن، شخص بافت تاریخی خویش را درمی یابد و در آن زندگی می کند. این جلوه ای از دین، فلسفه یا اخلاق او است که به مثابه متعالی ترین، شریف ترین و سنجیده ترین چیز نشان داده می شود و به غنای آرمان یا کمال مطلوب می انجامد» [۲۶: ۱۳۶]. این تعریف ها بر فهم معنویت به مثابه یک نیروی اصلی، کل نگرانه و پویا در زندگی انسان، هم برای فرد و هم برای اجتماعات، تأکید می کند.

در دیباچه مجموعه مهم معنویت جهان: تاریخ جامع جست و جوی دینی (۲۵ مجلد؛ نک. [۵])، سرویراستار اورت کازینز، معنویت را به چیزی وصف می کند که به جنبش های درونی روح انسان به سوی واقعی، متعالی و الهی می پردازد. معنویت در اینجا به معنای فرزاندگی و اندرز خردمندانه است، که مقصود از آن، یاری سالک و راهنمایی انسان در سفر به مقصد یافت روحی است. کازینز معنویت را به فرزاندگی ایمان برای حیات خویش وصف می کند، اما امروزه باید چنین راهی را با گفتوگو با دیگر سنت های معنوی

جهان پیمود. در عین حال که معنویت همان جستوجوی کلی انسانی است، باید رابطه اغلب تنگاتنگ میان دین و معنویت را دریافت؛ اما معنویت با روش عقلی پژوهش و تفکر انتقادی نیز رابطه دارد. این پژوهش در طی دهه های اخیر به طرز چشمگیری رشد کرده است. مسئله رابطه معنویت و عرفان نیز مطرح است. روش ها و اعمال معنوی خاص و متنوعی را می توان یافت، به ویژه روش های تزکیه، مراقبه و نظاره را که می توانند پیروانشان را به بالاترین حالات تجربه و آگاهی عرفانی رهنمون شوند. سنت های خداپاورانه از تجربه های وحدانی عشق و رابطه با خدا سخن می گویند، در حالی که سنت های الحادی بر شناخت وحدت نهایی همه چیز تأکید می کنند یا حتی از استغراق در یکتا یا اتحاد با آن سخن می گویند. واژه معنویت شامل طیف گسترده ای از اشراق ها و تجربه های دینی است، در حالی که انواع گوناگون عرفان، تجربه های معنوی بسیار خاص را نشان می دهند.

والتر پرینسیپه^[5] در فهم معنویت سه سطح متمایز، اما وابسته به یکدیگر را باز می شناسد: یکم، معنویت به منزله تجربه یا عمل زنده؛ دوم، معنویت به منزله آموزه ای برخاسته از این عمل که به نوبه خود راهبر آن است (یعنی آن روش ها و الگوهای معنوی ای که راه به قداست و کمال می برد و در دین های گوناگون یافته می شود)؛ سه دیگر، پژوهش نظام مند، تطبیقی و انتقادی در باب تجربه ها و آموزه های معنوی است که اخیراً به شیوه ای جدید تحول یافته است. این سه سطح با شماری از عوامل اجتماعی - فرهنگی شدیداً در هم تنیده اند، عواملی که عمل به معنویت و فهم آن را در طی دوره های تاریخی خاص، در دین های گوناگون و در مواضع گوناگون اعمال آن دین، شکل می دهد.

آرمان ها و آموزه های معنوی

اولین آندرهیل گفته است که زندگی معنوی «قلب هر دین واقعی و بنابراین برای مردان و زنان معمولی موضوع تعلق حیاتی است»؛ زندگی معنوی «زندگی کامل و واقعی ای است که انسانیت برای آن ساخته می شود» [۳۶: ۸، ۳۲]. نویسندگان، الاهی دانان و دانشمندان معنوی، در طی قرن ها در قبال این مسئله، مواضع گوناگونی گرفته اند. معنویت عمیقاً بر تجربه انسان استوار است، اما همچنین در پیوند با این باور است که حقیقتی بزرگ تر و کامل تر هست که ما را احاطه کرده، به ما اشاره می نماید و ما را فرامی خواند. بنابراین معنویت را می توان به منزله یک فراخوان [یا، ندا] و هم به منزله یک فرایند و مقصد فهمید. محض نمونه، مسیحیان از فراخواندن به قداست و کمال، سخن می گویند که انجیل به طور ضمنی به آن اشاره دارد: «پس شما کامل باشید چنان که پدرتان که در آسمان است کامل است» (متی ۵: ۴۸). از آغاز مسیحیت جستوجو برای کمال معنوی، یعنی زیستن در روح خدا به شکل های جدیدی از زندگی، یعنی ریاضت کشی، دیرنشینی و عرفان منجر شده است. نویسندگان مسیحی بی شماری، از راهبان و

راهبه های خانومان رها کرده تا قدیسان و عرفای قرون وسطا و جدید، که درباره جستوجوها و مجاهدت های معنوی خود نوشته اند، فرموده ها و آموزه هایی به جا گذاشته و الگوهای شاگردی و قداست مسیحی را فراهم کرده اند. از این رو، معنویت را به «نظریه و تطبیق حیات مسیحی» نیز وصف کرده اند [۳۰: ۳۲].

این تعریف گسترده و اجمالی را از درون یک سنت دینی خاص عرضه کرده اند؛ این تعریف به گستردگی و دربرگیرندگی تعریفی که در بالا از آندرهیل نقل کردیم نیست. گرایش به معنویت و به تاریخ و تفسیر آن، به خصوص مورد توجه مسیحیانی بوده است که زمانی دراز میان «مکتب های معنویت» گوناگون، مانند معنویت عرفای اسپانیایی یا فلاندری، یا مثلاً ارتدکس روسی، تفاوت قائل شده اند. جالب است بدانیم در دانش نامه دین الیاده [۸] تنها مدخل درباره معنویت مقاله ای است در باب «معنویت مسیحی» [۳۸]؛ در آن هیچ بحثی از اهمیت کاربرد مقایسه ای «معنویت» در اعمال و پژوهش سنت های دینی دیگر، آن گونه که در نوشته های معاصر به چشم می خورد دیده نمی شود. در واقع، بعضی از نویسندگان غربی به خطا بر این باورند که واژه «معنویت» صرفاً در دهه های اخیر کاربرد پیدا کرده است. اما این واژه پیش از این در زمینه های مقایسه ای در قرن نوزدهم به کار رفته بود و آن هنگامی بود که اصلاح گران هندو، و در رأس آنان سوامی و یوکاننده، معنویت هندی را با مادی گرایی غربی مقابل نشانند و ادعا کردند که هند حاوی گنجینه های معنوی است که غرب باید همچنان در جستجوی آن باشد.

اما همین دانش نامه دین دارای مدخل هایی است در باب «روش معنوی» [۲۱] و «راهنمای معنوی» [۳۱]. این مدخل ها به موضوعاتی اشاره دارند که با معنویت در بسیاری از سنت های دینی رابطه دارد. تقریباً همه دین ها به نوعی ضرورت راهبری معنوی را به شکلی قبول دارند، که یا مانند بسیاری از دین های ابتدایی با تعلیم ریش سفیدان حاصل می شود، یا با تعلیم یک مشاور، راهنما، استاد یا گوروی، و نیز روزه، توبه، زیارت و بسیاری از اعمال دیگر. این اعمال ممکن است با آداب و وضعیت بدنی خاصی نیز رابطه داشته باشد، که درباره تمام آنها آثار دینی گسترده ای وجود دارد. از روی علاقه عمومی و اعمال خاص می توان میان روش های تربیت تن، روان و دل، که دین های گوناگون برای هر کدام رهنمودهای گوناگونی دارند، تمایز قائل شد.

موضوعاتی که به تفصیل به آنها پرداخته اند اینهاست: ۱. آیا فراخواندن برای رسیدن به کمال معنوی و قداست یک وظیفه خاص است یا یک وظیفه عمومی که شامل همه انسان ها می شود؟ ۲. آیا جستجوی معنوی به طور فردی، به شکل گوشه گیری، و جدا از جامعه به بهترین وجهی دنبال می شود؛ در یک محیط جمعی مانند یک نهاد دینی، اما همچنان جدا از جامعه؟ ۳. یا آیا در حالی که میان جامعه زندگی

می کنیم و به کسب و کار معمولی روزانه مان می پردازیم به معنویت عمل کنیم؟. پرسش های دیگر به رابطه کوشش انسانی و نیروهای غیرانسانی (که گاهی آن را به عمل یا لطف الهی وصف می کنند) در رسیدن به مقصد معنوی مربوط است، و نیز آیا چنین یافتی نیازمند تمرین زیاد است یا می توان به طور ناگهانی و به طرز کاملاً غیرمنتظره ای بدان دست یافت. افزون بر این، نتایج اجتماعی برخاسته از اشخاص و گروه های خاصی که پیرو راه یا آموزه معنوی اند چیست؟

بخش عمده معنویت را، آنگونه که در گذشته با آن زندگی می کردند و تعلیم می دادند، نخبگان دینی ای تحول بخشیدند که فرصت لازم برای تربیت روان و روح را داشتند. همیشه باید آن بافت اجتماعی را که آموزه های معنوی خاص در آن تحول می یابد مورد بررسی قرار دهیم و بررسی کنیم که کدام لایه اجتماعی محتمل تر بود که «مرد و زن اهل معنا»، [انسان] کامل که شخص در بافت زندگی معمولی خویش به آن عمل می کند؛ بافتی که در آن، زهدگرایی رنگ و بوی کمتری دارد. در بخش عمده ای از تاریخ مسیحیت، مکان غالب تطهیر، یا مکان طلبِ قداست و کمال معنوی، زاویه گیری بوده است. اما پس از نهضت اصلاح دینی، تأکید بر زاویه کشینی جای خود را به زندگی معمولی در جامعه داد؛ یک معنویت جدید «معنویت بودن در جهان»، که به هر حال رگه هایی از آن به قرون پیشین مسیحی بازمی گشت، رشد و تحول یافت. در هندوئیسم و آیین بودا، مفهوم تارک دنیا به منزله روش کمال معنوی بسیار مهم است. نمونه هایی از معنویت خانه خدایی نیز در این سنت ها وجود دارد، اما ارزش آنها به اندازه شیوه ترک نیست. در مقابل، کانون توجه آیین سیک، یهودیت و اسلام روش معنویت خانه خدایی است. این ادیان زهدگرایی و دیرنشینی را رد می کنند.

آرمان های معنوی، گرچه در نهایت فراجنسیت نیستند. این در خور توجه است که چه میزان از آموزه ها و اعمال معنوی سنتی حاوی عناصر تبعیض جنسی و زن ستیزی است. توصیه معنوی ای که ظاهراً به معنای فایده مند فاقد میل جنسی می کنند، اغلب تن ستیز و زن ستیز است. الگوهای مردانه قداست و کمال معمولاً نه تنها حاکی از بیزاری از تن، بلکه به خصوص حاکی از بیزاری از تن های زنان است. بنابراین، اینان برای زنانی که جویای زندگی معنوی اند جذابیت چندانی در بر ندارند. این اختلافات امروزه هنگامی آشکارتر شده است که بسیاری از فمینیست ها از شکل های پیشین معنویت برآورد انتقادآمیزی ارائه می دهند و جویای توسعه شکل های جدید و مناسب تری برای روزگار خویش هستند. تاریخ پیچیده و ریشه های آغازین مسیحی نگرش های غربی ما به تن و تمایلات جنسی انسان، در پژوهش قاضیوار پیترا براون، گروه و جامعه: مردان، زنان و ترک میل جنسی در مسیحیت آغازین به تفصیل نشان داده شده است

مقصد و آرمان معنوی نهاییِ کمال معنوی، در سراسر سنت های دینی، به طرز چشمگیری باهم فرق دارد. انسان ها ممکن است جویای اتحاد با خدا یا ایزد باشند؛ آنان ممکن است برای رسیدن به یگانگی نهایی یعنی برهمن بکوشند؛ ممکن است در آرزوی رسیدن به حالت روشن شدگیِ نیروانه، یافت رهایی یا رستگاری (موکشه)، یا رسیدن به بهشت باشند. چنین آرمان هایی مستقیماً بر آموزه های نظری و ساختار فلسفی هر دین مبتنی است. در این سنت ها در این موضوع نیز بحث زیادی کرده اند که آیا در این زندگی می توان به این مقصدهای معنوی رسید یا نیل به آنها منحصر به زندگی آینده است.

راه معنوی متضمن حرکت و تبدل است. اغلب آن را به سفر روح در طی یک راه خاص، زیر نظر آموزگار و مجموعه ای از آموزه ها، تشبیه می کنند. سنت یهودی از معیارهای دینی زیر نام هلاخا^{ii[20]} یافت می شود. این سوره ها برای خویشتن داری و دیانه (مراقبه)، به منظور رسیدن به حالت نهاییِ رهاییِ مطلق و ناوابستگی مطلق، یک راه هشتگانه را تعلیم می دهند.

هندوئیسم دارای مکتب های معنوی متفاوت با آموزه هایی کاملاً متفاوت، و گاهی متقابلاً انحصاری، است. این آموزه ها [اغلب] درباره سرشت خود و جهان، و مقصد مطلق انسان ها است. این آموزه ها را گورو، که در هندوئیسم جایگاه مهم خاصی دارد، انتقال می دهد. می گویند رشته های پیوند معنوی میان گورو و شاگردان به استواری رابطه خونی است؛ در واقع، در برخی فرقه ها، گورو در نگاه شاگرد، به جای خدا می نشیند. در اسلام، راهبر یا آموزگار معنوی، شیخ یا پیری است که پیروانش را در طریق صوفی با اصول تزکیه آن راهبری می کند.

مسیحیان از راهبر معنوی سیمایی در جان شان دارند، اما در پیروی از «راه خداوند» خود مسیح بالاترین آموزگار بوده است. زندگی و کردارهای او، برای زندگی معنوی مسیحیان خزانه ی پرباری را فراهم آورده است. روزگاری بیشترین کانون توجه اینان صلیب و در دوره ای دیگر رستاخیز، یا شفا دهندگی مسیح و تمثیل های او بوده است. «سرمشق گیری از مسیح»، در طی قرون، آثار معنوی و عبادی پرباری را پدید آورده است. اما مسیحیت شرق و غرب، برای مریدان مسیحی جویای کمال معنوی و قداست، اعمال عبادی و نیایشی کاملاً متفاوتی را شکل داده است. معنویت شرق ارتودکس را میراث بیزانسی شکل می دهد که «در یک بینش ادغام شده است: نوشته های آباء کلیسا، آموزه ها و تجربه های صومعه ای در باب نیایش و روش زندگی رهبانی که رساله جامع است» [۱۴: ۵۱۹].

تاریخ طولانی آیین بودا نیز میراثی غنی از اعمال معنوی مبتنی بر دمه [۴۰] با این عبارت صریح آغاز می شود:

از میان همه دین‌های بزرگ، تنها آیین بودا است که توجه خود را به شدت بر آن جنبه که ما آن را معنویت می‌خوانیم معطوف داشته است. هیچ دینی برای حالات بینش معنوی و رستگاری چنین ارزش والایی قایل نبوده است، و هیچ دینی راه‌ها و روش‌های گوناگون را چنین روشمندانانه با چنین گنجینه‌ای از تفکر انتقادی عرضه نکرده است. راه‌ها و روش‌هایی که از طریق آن، هم می‌توان به چنین حالاتی رسید و هم به زیرساخت‌های وجودشناختی دست یافت که آن حالات را چنین ارزشمند و آن راه‌ها را چنین کارگر می‌سازد [xiii: ۴۰]

از نظرگاه بودایی، واژه معنویت نزدیک‌ترین واژه به واژه سنسکریت باوئا، که پُرآوازه‌ترین اند، برای شکوفایی آرامش، آگاهی و بینش، که به ارزش‌های بودایی اصلی، یعنی فراشناخت و غم‌خوارگی هدایت می‌کند، طراحی شده‌اند. آموزه تهیت نیز آموزه‌ای محوری است. این آموزه توجه را به شناخت این حقیقت معطوف می‌دارد که همه چیز «تهی» است و هیچ چیز ناوابسته، مستقل یا همیشه‌مان وجود ندارد. نقشه‌ای که آموزه‌های نظری آیین بودا از حقیقت معنوی رسم می‌کند با نقشه دین‌های خداباور بسیار متفاوت است، تا آنجا که حتی می‌توان از «معنویت تهیت» بودایی سخن گفت [۴۰: ۳۷۳؛ ۲۲]. سرچشمه‌های تغییردهنده و نیرومند معنویت بودایی، در بگومگوهای بودایی معاصر درباره اصلاح اجتماعی و تجدّد، کاملاً پیدا است. محض نمونه، آنها را می‌توان در تایلند و در رشد جدی آیین بودا در کشورهای غربی گوناگون مشاهده کرد [۴۰: ۱۱۲ - ۱۹].

سرچشمه معنویت اسلامی، قرآن [کریم] و فرموده‌های حضرت محمد [صلی الله علیه و آله وسلم] به عنوان پیامبر خدا است. زبان‌های اسلامی برای واژه غربی spirituality اصطلاحات گوناگونی دارد؛ این اصطلاحات رساننده این معانی است: باطن، حق، عالم معنا، مقام لطف الهی، مفهوم کمال اخلاقی، جمال جان و ذکر خدا. از نظر مسلمانان زندگی معنوی هم بر ترس از خدا مبتنی است و هم بر عشق به او؛ هم تسلیم در برابر اراده خدا و هم جستوجو برای شناخت او، که هدف نهایی آفرینش است. معنویت اسلامی با الگوی آداب اسلامی که ساخته و پرداخته «ارکان دین» است رابطه تنگاتنگی دارد. ارکان دین هم معنای ظاهری دارد و هم معنای باطنی. معنای باطنی را تصوّف، سنت عرفان اسلامی، که شامل بسیاری از آموزه‌ها و اعمال خاصّ فهم است، شکل داده است. اما چه عامّ فهم و چه خاصّ فهم، گوهر معنویت اسلام با توحید پیوند می‌خورد. از نگاه سید حسین نصر، معنویت در قلب اسلام و کلید فهم جنبه‌های مختلف آن است؛ معنویت اسلامی «امت اسلامی را در طی دوره‌ها جانی تازه بخشیده است... و عامل شکوفایی برخی از بزرگ‌ترین هنرهای جهان بوده است، که گستره‌اش از باغبانی تا موسیقی است، و امکان ظهور برخی از

برجسته ترین فیلسوفان و دانشمندان شهره در جهان را فراهم کرد و هرگاه شرایط اقتضا داشته، با دین های دیگر نیز به گفتوگو نشسته است» [۲۳: xviii].

هر سنت دینی از این سرچشمه های غنی معنوی برخوردار است: آرمان های قداست و کمال، آموزه هایی در باب عدالت، عشق و غم خواری، درباره آرامش و وحدت انسانی، بینش های آزادی حقیقی و کل بودگی وجود، چشمه های فرزاندگی و تجربه های ارتباط با آن حقیقت جاودانه. محال است در اینجا بتوانیم به جهان های معنوی ای که در دین های جهان محفوظ مانده، بیش از یکبار نظر بیندازیم، گرچه تأکید بر این نکته مهم است که فقط در عصر حاضر، با وسایل ارتباطات جهانی در اختیار، اجتماع انسانی در جایگاهی است که می خواهد این سرچشمه ها را در همه سنت های گوناگون بشناسد و از خزانه عظیم حکمت معنوی و عملی آن مدد بجوید. بنابراین ما در دوره پرشور خاصی زندگی می کنیم که برای خلاقیت زیاد در زمینه معنویت فرصت های تازه ای را فراهم آورده است.

منابعی برای پژوهش در معنویت

در دهه های آغازین قرن بیستم، دانشمندان کاتولیک روم در فرانسه، برای پژوهش در معنویت و ویژگی های زندگی معنوی در رابطه با تجربه و آگاهی دینی، گرایش خاصی را شکل دادند. آنها یک فرهنگ واژگان مهم، فرهنگ واژگان معنویت، رهبانیت و عرفان، آموزه و تاریخ را تدوین کردند. این فرهنگ واژگان از سال ۱۹۳۷ انتشار یافته و اخیراً تکمیل شده است [۳۷]. این فرهنگ شامل مقالاتی است با عمق بسیار عالمانه، اما همچون بسیاری از آثار دیگر، توجه کلی آن به تاریخ و رویه معنویت مسیحی معطوف است. یک رویکرد دیگر را که گرچه تطبیقی نیست، تا حدی فراگیرتر است می توان در اثر یک جلدی و در دسترس تر پژوهش در معنویت، ویراسته چسلین جونز، جفری وین رایت و ادوارد یارنولد یافت [۱۴]. این اثر به الاهیات و تاریخ معنویت مسیحی از دوره های آغازین تا عصر حاضر می پردازد و شامل یک بخش آموزنده درباره مسیحیت ارتودکس از قرن دهم تا قرن بیستم است. در فصل های دیگر، به اختصار، به معنویت یهودیت، اسلام، هندوئیسم، آیین بودا و ادیان آفریقا و معنویت سرخپوستان نیز می پردازد، و پیوسته با کتاب شناسی هایی درباره منابع و مطالعات بیشتر همراه است. این کتاب در باب «معنویت رایج» نیز دارای مقالات جالبی است و در میان دیگر معنویت ها به معنویت کلیسای جهانی، یعنی معنویت عید پنجاهه^{[32]iii}، الاهی دان ژاپنی، که معتقد است چنین همنوایی - یا به تعبیر دیگران مواجهه و گفتوگوی ادیان - متعلق به سرشت بنیادین معنویت دینی است. او می نویسد:

همنوایی میان ادیان جهان و روح تمدن (تجدد) غربی روزگار ما، ابهام آزردهنده مفاهیم مخرب و سازنده را نشان می دهد. معنویت مسیحی که از نظر تاریخی عنصر سازنده تمدن

غربی به شمار می آید، بسیار محتمل است که شکل دیگری به خود بگیرد و در آن نه تنها انسان مسیحی غرب، بلکه تمام بشریت در مد نظر باشد. این را بدون کنش متقابل معنویت مسیحی با آموزه ها و معنویت های دیگر سنت های دینی نمی توان به انجام رساند. معنویت سلطه طلب به چالش خوانده می شود. معنویت وابستگی دوسویه که تحت تأثیر الاهیات و کشیشان مسیحی است باید پدید آید [۱۴: ۵۶۰].

بدین ترتیب یک الاهی دان مسیحی از خاور دور، برای فهم معنویت مسیحی، پلورالیزم دینی معاصر را به چالش می خواند. پیروان دین های دیگر، با کمک گرفتن از منابع معنوی سنت دینی خودشان، باید به این چالش گری از منظری دیگر نگاه کنند. نمونه های پاسخ های مسیحی به معنویت های ادیان دیگر عبارت است از: دایانا اک، مواجهه با خدا [۷] و دونالد دلیو. میچل، معنویت و تهیت: پوشش های زندگی معنوی در آیین بودا و مسیحیت [۲۲]، و همچنین مجموعه ای از رساله ها درباره معنویت در گفتوگوی ادیان، ویراسته توش آرای و وسلی آریه راجه [۲]. پژوهش های بنیادی تر و مفصل تر را در جلوه های دیگر مجموعه ای که پیش از این ذکر کردیم، یعنی معنویت جهانی: تاریخ جامع جستوجوی دینی [۵] می توان یافت. این مجموعه تا کنون به مطالعاتی درباره معنویت یهودی، اسلامی، هندویی، بودایی، مسیحی، بومیان آمریکای میانه و آمریکای شمالی پرداخته است.

منابعی که درباره معنویت مسیحی وجود دارد بسیار گسترده است. برای یک گزینش بسیار خوب از منابعی که به تازگی ویرایش شده است نگاه کنید به مجموعه آثار کلاسیک معنویت غرب، که از سال ۱۹۷۸ منتشر می شود [۲۴]؛ اطلاعات موجز را می توان از فرهنگ واژگان معنویت مسیحی [۳۹] گرفت. معنویت جهانی مجموعه ای است در سه مجلد که شامل پژوهش هایی مفصل درباره همه جنبه های معنویت مسیحی است. مجلد اول به تحولات مسیحیت از آغاز تا قرن دوازدهم [۱۸]، و مجلد دوم به اوج قرون وسطا و نهضت اصلاح دینی تا سال ۱۶۰۰ [۲۷] می پردازد، و مجلد سوم به شماری از جنبه های معنویت پس از نهضت اصلاح دینی و معنویت جدید [۶]، از جمله بخش های بنیادینی درباره معنویت ارتودکس شرقی و تحولات قرن بیستم مانند معنویت پنجاهه، معنویت فمینیستی مسیحی و پیامدهای جهانی گرایی کلیسا برای معنویت مسیحی می پردازد. همه رساله ها حاوی کتاب شناسی های مفصلی هستند.

برای آشنایی ابتدایی با محدوده وسیعی از نوشته های معنوی مسیحی و نمایی کلی از آنها در طی قرن ها، که آغازگر آن آبای کلیسا بودند و شامل گزیده ای از بیشتر آثار کلاسیک معنوی مشهور است و با اهمیت خاصی که به نویسندگان قرن بیستم داده اند، گلچین یک جلدی بزرگی است، یعنی معنویت مسیحی: راهنمای اصلی تأثیرگذارترین نوشته های معنوی سنت مسیحی [۲۰] که به طور ویژه ای سودمند است.

برای بازنگری انتقادی در معنویت مسیحی و تفسیر آن از نگاه های عالمانه معاصر نگاه کنید به معنویت مسیحی جدید: پژوهش های روشمند و تاریخی، ویراسته برادلی سی. هانسون [۱۳] و به ویژه پژوهش بسیار تحسین برانگیز معنویت و تاریخ: مسائل تفسیری و روشی، به قلم فیلیپ شلدن ریک [۳۰].

کسی که جوای آشنایی موجز و عامیانه، و نه عالمانه، با معنویت در جهان معاصر باشد، یکی از در دسترس ترین متون، زندگی معنوی: حقایق معنوی بزرگ برای زندگی روزمره، به قلم اولین آندرهیل است. این متن شامل چهار سخنرانی رادیویی یا تلویزیونی است که در سال ۱۹۳۶ عرضه شده و اکنون به چاپ رسیده است [۳۹]. شالوده های کلی انسان شناختی در تحول معنوی در رابطه با رشد روان شناختی انسان در پژوهش مراحل ایمان، اثر جیمز دلبو. فوولر مورد بررسی قرار گرفته است [۱۰].

یک کار مخاطره آمیز انتشاراتی جالب و جدید، شامل بسیاری از متون درباره معنویت که پیش از این ناشناخته مانده بود، ترجمه منابعی است از ادیان مختلف جهان، که عمدتاً تا کنون ترجمه نشده (یا، بد ترجمه شده) است. این منابع را [سازمان] امین آثار دینی جهان در سراسر جهان چاپ کرده است، نشان دهد [۴۲]. این آثار بحث های جدید درون، سراسر و فراسوی ادیان گوناگون را مورد تشویق قرار می دهد و می تواند در پیدا شدن یک آگاهی جدید از وابستگی دوسویه جهانی ما به موضوعات معنوی علاوه بر موضوعات مادی کمک کند.

چشم اندازهای معاصر معنویت

بسیاری از مردم امروزه می پرسند کدام نوع معنویت قادر است دگرگونی های فردی و اجتماعی عمیقی را که این جهان سخت بدان نیازمند است پدید آورد. صداهایی که از معنویت سخن می گویند بسیارند، هرچند متفاوت فهمیده می شوند. معنویت موضوعی است که نهضت های دینی جدید و ظاهراً نهضت های زیست بومی، صلح و زنان به یکسان به آن می پردازند؛ کسانی که به روان درمانی و تبدل آگاهی دل بسته اند و کسانی که برای نوسازی مسیحیت یا گفتوگوی ادیان می کوشند، معنویت را مطرح می کنند. البته گاهی برداشت های معاصر از معنویت می تواند به شدت ناشی از خوردن حسرت پیشینیان یا سرمشق گیری از آنان باشد، و با جامعه امروزی آنطور که لازم است رابطه ای نداشته باشد. اکثر گرایش های رایج به معنویت، به ویژه در محافل دینی سنتی، به شدت فردگرایانه است؛ به جای نوآفرینی و نوسازی توجه شان بیشتر به بازسازی است. این نوع گرایش اغلب به خود فردی و درون نگری شخص و به رد صریح مادی گرایی و مصرف گرایی کام جویانه می پردازد، تا این که به تبدل واقعاً متعادل جهان درون و بیرون پردازد.

با این همه، در برداشت معاصر از چیستی واقعی معنویت، تحولات جدید خلاق بسیاری نیز وجود دارد - برداشت هایی که ویژگی پویا و تبدلی معنویت را در این امور می جوید، تجربه زنده، تلاش برای کمال زندگی در سایه عدالت و آرامش و به منزله بزرگترین ماجرای انسان ها، ماجرای جان و تن و دل، در جستوجو و پرده برگرفتن از افق فراگیر برین، و در جستوجو و کشف مهربانی، خوبی و فراوانی زندگی. این برداشت های جدید با آگاهی جدید از سرچشمه های نیروی معنوی ما و جستوجوی نو در آنها - که این سرچشمه های نیروی معنوی به اندازه سرچشمه های مادی برای بقای ما لازمند - و اهمیت میراث دینی جهانی ما برای آینده بشریت، پیوند دارد.

پی یر تیار دو شاردن (۱۸۸۱ - ۱۹۵۵)، یسوعی فرانسوی، پیشگام اندیشه درباره سرچشمه های نیروی معنوی انسان و نقش معنویت در جهان وابسته بود. او در اوائل سال ۱۹۳۷ درباره «پدیده معنویت» و معنای آن در تکامل اجتماعی انسان مقاله ای نوشت [۱۶]. زندگانی او به عنوان یک دانشمند، کشیش و عارف، سرمشقی است الهام بخش از معنویت مسیحی در جهان معاصر [۱۷] و یکی از نوشته های او در میان خداوند [۳۴]، نمونه آثار کلاسیک معنوی جدید به شمار می آید.

گرایش فزاینده به سنت های معنوی محلی و میراث های معنوی اقوام و فرهنگ های بومی، از تحولات جدید و مهم دیگر به شمار می آید. اینها اخیراً در حال کشف شدن هستند و به خاطر حرمت ذاتی شان برای زندگی و طبیعت، مورد ستایش قرار گرفته اند. نهضت بوم شناختی معاصر، به آنها بسیار ارزش داده و گونه جدیدی از معنویت آفرینش، به ویژه در رابطه با اثر متیو فاکس [۱۱]، آنها را توسعه داده است. کشف دوباره آن امر مقدس و تحول گونه های جدید معنویت در اکوفمنیسم^{[38]iv} اندیشه و عمل مسیحی که از غرب وارد شده خرد می گیرند و جویای تعبیر جدیدی از معنویت هستند که بتوانند آنها را واقعاً از آن خود بدانند.

در نهضت معاصر زنان نیز معنویت موضوعی محوری است، البته نه به مفهوم سنتی و دوگانه آن که عالم کار و ماده را از عالم معنا جدا می کند، بلکه درجایی که معنویت را جستوجویی می دانند از کل بودگی و یکی شدن از راه استحاله بنیادین نگرش های مردسالارانه سنتی به جنسیت، شغل، محیط و بسیاری از جنبه های دیگر تجربه شخصی و اجتماعی. چنین معنویتی پیامدهای سیاسی عمیقی دارد و عمیقاً به زنان قدرت می دهد. این رابطه تنگاتنگ، در مجموعه ای از مقالات ارزشمند درباره سیاست های معنویت زنان، که در سال ۱۹۸۲ انتشار یافت تحقیق شده [۳۳] و در کتاب های جدیدتر بسط بیشتری یافته است [۲۵؛ ۴۱]. در کنار علاقه آشکار زنان معاصر به معنویت - که گاهی به آن نام نهضت روح زن یا فمینیسم معنوی یا متافیزیکی می دهند، و اغلب با پرستش ایزدبانو پیوند می خورد - همان گونه که در زن و معنویت [۱۸]

نشان داده ام، یک جنبه معنوی آشکار و مهم نیز در نهضت فمینیست وجود دارد. اهداف فمینیستی رهایی، آرامش و عدالت، جستجو برای دریافت کمال انسانیت زن، در اصل نه تنها اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، بلکه اهدافی معنوی نیز هستند.

معنویت فمینیستی شامل آگاهی جدید زنان از توانمندی درونی آنان است برای تحقق تحولات شخصی، اجتماعی و سیاسی. چنین معنوی عمیقاً در کشف زنان از نفس شان و عمل آن ریشه دارد، در کشف تجربه شان از به هم پیوستگی و مشارکت در قدرت، از تصور دوباره خلاق و نام دوباره نهادن بر آن امر مقدس، و رشد حساسیت نسبت به وابستگی دوسویه و قداست همه گونه های زندگی. بسیاری از این موضوعات در آثار معاصر زنان منعکس می شود، که از طریق شعر و حکایت، جنبه های گوناگون نیازها و جستجوی معنوی زنان را بررسی می کند. موضوعاتی مانند زیان و رنج، ستمگری و رهایی، همدلی و اشتراک، و رابطه میان جنسیت و معنویت. زنان همچنین در حال کشف یک میراث معنوی غنی هستند درباره زنان فرزانه و عرفای پیشین و در شمایل نگاری و نمادپردازی زنان که در بسیاری دین های جهان وجود دارد. محض نمونه، در مورد یهودیت، مجموعه ای غنی از منابع را در چهار قرن معنویت زنان یهودی می توان یافت [۳۵].

باز هم یکی دیگر از موضوعات مهم معاصر، جایگاه معنویت در آموزش است. معنویت، که آن را فرایند رشد و استحاله می دانند، منحصر به بزرگسالان نیست، بلکه در ربط و نسبت با رشد و تحول جوانان نیز است. معنویت با یک آگاهی توسعه یافته و ژرف که لازم است به شیوه های گوناگون پرورش یافته، تربیت گردد، پیوند می خورد. محض نمونه، در بریتانیا، هم قانون آموزش (سال ۱۹۴۴) و هم قانون اصلاح آموزش (سال ۱۹۸۸)، به تحول معنوی دانش آموزان اشاره می کند، که لازم است آن را نه تنها از طریق آموزش دینی، بلکه در همه برنامه های درسی ارتقا دهند. این نیاز آشکار به بحث های زیادی در میان کارشناسان آموزش، و نشریاتی درباره رویکردها و روش های نو در [RE ۱۲] منجر شد. در بسیاری از کشورهای جهان، هم اکنون در پیرامون جایگاه آموزش دینی در موقعیت تکثرگرایی فرهنگی و دینی، عمیقاً به بحث می نشینند. چنین بحثی، نباید از روی نیاز فراگیر به تأمل در اهمیت بُعد معنوی زندگی انسان باشد. شق های سیاسی متفاوت در خصوص دین در آموزش عمومی، در مورد نوع جامعه ای که مردم آن را مطلوب می دانند، همان گونه که از نزاع های جاری در آفریقای جنوبی جدید پیداست، بگومگوهای بسیاری را پدید می آورد [۴].

معنویت موضوعی است که حتی در مباحثات سازمان ملل نیز مطرح شده است. آموزه ها و اعمال معنوی گوناگون، در معنا، محتوا و ارزش، بسیار متفاوت هستند، به گونه ای که، محض نمونه، ویژگی

معنویت های آفریقایی سنتی و آمریکایی بومی با برخی معنویت های باستانی شرق و غرب به طرز چشمگیری در منش متفاوت است. این امر، به تنوع و پیچیدگی سرشار معنویت، به همان شکل که امروزه زندگی و تجربه می شود، می افزاید. این امر نه تنها موضوعی با عمق و غنای تاریخی عظیم است که در زندگی دینی پیشینیان مهم بوده است، بلکه در پیوند عمیق عصری با شکل دهی زندگی اشخاص و جوامع است. گرایش به پژوهش و آموزش معنویت به سرعت در حال رشد است؛ پژوهش های مقایسه ای و انتقادی معنویت امروزه در پژوهش ادیان، سزاوار جایگاهی محوری است.

کتابنامه

- 1 _ ADAMS, CAROL J., (ed.), *Ecofeminism and the Sacred*, New York, Continuum, 1993.
- 2 _ ARAI, TOSH, and ARIARAJAH, WESLEY (eds), *Spirituality in Intterfaith Dialogue*, Geneva, WCC Publications, 1989.
- 3 _ BROWN, PETER, *The Body and Society: Men, Women, and Sexual Renunciation in Early Christianity*. New York, Columbia University Press, 1988.
- 4 _ CHIDESTER, DAVID, et al., *Religion in Public Education: Policy Options for a New South Africa*, University of Cape Town, Institute for Comparative Religion in Southern Africa, 1992.
- 5 _ COUSINS, EWERT (gen. ed.), *World Spirituality: An Encynlopedic History of the Religious Quest*. New York, Crossroad, 1985 -/London, Routledge & Kegan Paul, 1986.
- 6 _ DUPRE, LOUIS, and SALIERS, DON E. (eds), *Christian Spirituality: Post Reformation and Modern*, London, SCM, 1989.
- 7 _ ECK, DIANA L., *Encountering God: A S piritual Journey from bozeman to Banaras*, Boston, Beacon Press, 1993.
- 8 _ ELIADE, MIRCEA, (ed.), *The Encyclopedia of Religion*, 16 vols, New York, Mecomillan/LONDON, Collier Macmillan, 1987.
- 9 _ ELLER, CYNTHIA, *Living in the Lap of the Goddess: the Feminist Spirituality Movement in America*, Boston Press, 1995.
- 10 _ FOWLER, JAMES W., *Stages of Faith: The Psychology of Human Developmentand the Quest for Meaning*, San Francisco, Harper, 1981.
- 11 _ FOX, MATTHEW, *Creation Spirituality: Liberating Gifts for the Peoples of the Earth*, San Francisco, Harper San Francisco, 1991.
- 12 _ HUMMOND, JOHN, et al., *New Methods in RE Teaching: An Experimental Approach*, Harlow, Oliver & Boyd, 1990.
- 13 _ HANSON, BRADLEY C. (ed.), *Modern Christian Spirituality: Methodologicsl and Historical Essays*, Atlanta, Scholars Press, 1990 (*American Academy of Religion Studies in Religion*, no. 62).

- 14 _ JONES, CHESLYN, WAINWRIGHT, GEOFFREY, and YARNOLD, EDWARD (eds), *The Study of Spirituality*, LONDON, SPCK, 1986.
- 15 _ KING, URSULA (ed.), *Feminist Theology from the Third World: A Reader*, London, SPCK/Maryknoll, Orbis, 1994.
- 16 _ KING, URSULA, *The Spirit of One Earth: Reflections on Teilhard de Chardin and Global Sirituality*, New York, Paragon House, 1989.
- 17 _ KING, URSULA, *Spirit of fire: The Life and Vision of Teilhard de Chardin*, Maryknoll, Orbis, 1996.
- 18 _ KING, URSULA, *Women and Spirituality: Voices of Protest and Promise*, 2nd end, London, Macmillan/University Park, Penn State Press, 1993.
- 19 _ MCGINN, BERNARD, and MEYENDORFF, JOHN (eds), *Christian Spirituality: Origins to the Twelfth Century*, London, Routledge & Kegan Paul, 1986.
- 20 _ MAGILL, FRANK N., and MAGREAL, IAN P.(eds), *Christian Spirituality: The Essential Guide to the Most Influential Spiritual Writings of the Christian Tradition*, San Francisco, Haroer & Row, 1988.
- 21 _ MAHINEY, WILLIAM K., ©Spiritual Discipline”, in M. Eliade (ed.), *The Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, vol. 14, pp. 19-29.
- 22 _ MITCHELL, DONALD W., *Spirituality and Emptiness: The Dynamics of Spiritual Life in Buddhism and Christianity*, New York, Paul ist Press, 1991.
- 23 _ NASR, SEYYED HOSSEIN (ed.), *Islamic Spirituality: Foundation*, London, Routledge & Kegan Paul, 1987.
- 24 _ PAYNE, RICHARD J. (ed.-in-chief), *Classics of Western Spirituality: A Library of Great Spiritual Masters*. New York, Paulist Press/London, SPCK, 1978.
- 25 _ PLASKOW, JUDITH, and CHRIST, CAROL P. (eds), *Weaving the Visions: New Patterns in Feminist Spirituality*, San Francisco, Harper & Row, 1989.
- 26 _ PRINCIPE, WALTER, ©Towards Defining Spirituality”, *Studies in Religion/Sciences Religieuses*, vol. 12, 1983, pp. 127-41.
- 27 _ RAITT, JILL (ed.), *Christian Spirituality: High Middle Ages and Reformation*, London, Routledge & Kegan Paul, 1987.
- 28 _ RAPHAEL, MELISSA, *Theology and Embodiment: The Post-Patriarchal Reconstruction of Female Sacrality*, Sheffield, Academic Press, 1996.
- 29 _ SCOTTISH CHURCHES COUNCIL, *Working Party Report on ©Spirituality”, Dunblane, Scottish Churches House, 1977.*
- 30 _ SHELDRAKE, PHILIP, *Spirituality and History: Questions of Interpretation and Method*, New York, Crossroad, 1992/London, SPCK, 1991.
- 31 _ SMTTHERS, STUART W., ©Spiritual Guide”, in M. Eliade, ed., *The Encyclopedia of Religion*, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, vol. 14, pp. 29-37.
- 32 _ SOBRINO, JON, *Spirituality of Liberation: Toward a Political Holiness*, Maryknoll, Orbis, 1988.

- 33 _ SPRETNAK, CHARLENE (ed.), The Politics of Women's Spirituality: Essays in the Rise of Spiritual Power within the Feminist Movement, New York, Anchor Press/Doubleday, 1982.
- 34 _ TEILHARD DE CHARDIN, PIERRE, Le Milieu Divin, London, Collins, 1960.
- 35 _ UMANSKY, ELLEN M., and ASHTON, DIANNE, (eds), Four Centuries of Jewish Spirituality, Boston: Beacon Press, 1992.
- 36 _ UNDERHILL, EVELYN, The Spiritual Life: Great Spiritual Truths for Everyday Life, Oxford, Oneworld, 1993.
- 37 _ VILLER, M., CAVALLERA, F., DE GUIBERT, J., and RAYEZ, A. (founder eds), Dictionnaire de Spiritualite', ascetique et mystique et histoire, Paris, BEAUCHESNE, 1937-94.
- 38 _ WAINWRIGHT, GEOFFREY, ©Christian Spirituality", in M. Eliade, ed., The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, vol. 3, pp. 452-60.
- 39 _ WAKEFIELD, GORDON (ed.), A Dictionary of Christian Spirituality, London, SCM, 1983.
- 40 _ YOSHINORI, TAKEUCHI (ed.), Buddhist Spirituality: Indian, Southeast Asian, Tibetan, Early Chinese, New York, Crossroad, 1994.
- 41 _ ZAPPONE, KATHERINE, The Hope for Wholeness: A Spirituality for Feminists, Mystic, CT, Twenty-Third Publications, 1991.
- 42 _ Up to 1996 nine books with texts from eight different religions had been published and three further books are forthcoming in 1997.

Details of the publications can be obtained directly from the international Sacred Literature Trust, 6 Mount Street, Manchester M2 5NS, UK.

قرار دادن پانوشتها در این جا میسر نگردید.

منبع: <http://www.religions.ir/fa/mag/mag.php?magid=20§ion=5>